



پایان، آفرین که به خانه‌ی آخر
بازی رسیدی و چیزهای زیبادی
درباره‌ی زیباماندن شهر
یادگرفتی.
توبنده شدی!



اگر بی‌خانمان هاجایی برای ماندن
داشته باشند، توی کوچه نمی‌مانند.



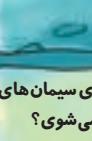
چه خوب که همراه بابا راهنمایی اش
می‌کنی که جایی برای خواب داشته
باشد. یک خانه برو جلو.



آنچه‌را، کنار سطل زباله یک
بی‌خانمان نشسته!



بین چه کار کردی؟
زنبور نیشت زد.
۲ خانه عقب برگرد.



داری آدامس می‌جویی؟



چی؟!
از آدامس جویدن خسته شدی؟!



چی؟! می‌خواهی آدامست را وسط
خیابان بیندازی.



ای وای چرا داری از روی سیمان‌های
خشک نشده ردمی شوی؟
یک خانه عقب برو.



کارگرها دارند زمین را با سیمان
بازسازی می‌کنند.



داری چه کار می‌کنی؟! چرا به سطل
زباله لگد می‌زنی؟ خراب می‌شودا
دوخانه به عقب
برگرد.



زباله ات راتوی راه انداختی.
پیش زنبورها زندانی شدی.



آفرین که زباله را برداشتی.
و در سطل زباله انداختی.
از نزدیک بالا برو.



چه خوب که تمیز و مرتب آمدی
بیرون. شهر با آدم‌های تمیز و
زیبایی‌تر می‌شود.



چه قدر خوب که لبخند می‌زنی.
لبخند های همه را خندان می‌کند.
۲ خانه جلو برو.

